

مهاجرت شبکه‌ای و تعیین‌کننده‌های آن: مطالعه جریان‌های مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به استان تهران

علی قاسمی‌اردهایی^۱

شدت مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به استان تهران و اقامت خوشه‌ای مهاجران، موجب گردیده است در این مقاله، این جریان مهاجرتی با رویکرد شبکه‌ای مورد مطالعه قرار گیرد. با استفاده از روش‌های تحقیق پیمایش و گروه‌های متمرکز و نیز چارچوب مفهومی شبکه‌های اجتماعی مهاجر، سه جریان مهاجرتی شبکه‌ای، توده‌ای و دافعه‌ای از هم تفکیک شده‌اند که حدود سه چهارم آن از نوع شبکه‌ای است. بیشترین جابجایی خوشه‌ای جمعیت از استان آذربایجان شرقی به استان تهران در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ صورت گرفته است که در این میان مهاجرت شبکه‌ای از شهرستان‌های سراب، میانه و هشتگرد به شهرستان‌های رباط‌کریم، شهریار و اسلام‌شهر قابل توجه است. در کنار شهرستان مبدأ و سطح توسعه آن، متغیرهای دوره مهاجرت، وضع تأهل، سطح تحصیلات، اشتغال و وضع مالی مهاجر در زمان مهاجرت، در تفکیک انواع مهاجرت‌های مورد بررسی مؤثرند. به عنوان نتیجه کلی، مهاجران از لحاظ ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی هرچقدر ضعیف‌تر از هم‌تاهای خود باشند، بیشتر به مهاجرت شبکه‌ای روی می‌آورند که این امر اهمیت ضعف مالی و کمبود اطلاعاتی مهاجران را در جهت دادن به مهاجرت‌های شبکه‌ای به خوبی نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: مهاجرت شبکه‌ای، مهاجرت توده‌ای، اشاعه مهاجرت، شبکه‌های اجتماعی مهاجر، مهاجرت بین استانی آذربایجان شرقی-تهران.

مقدمه و بیان مسئله

این دیدگاه که شبکه‌های مهاجر اغلب منجر به مهاجرت بیشتر می‌شود، ایده جدیدی نیست. برخی از محققان همانند تتریاتنیکوا^۱ (۲۰۰۸) مهاجرت‌های صورت گرفته در قرن ۱۹ به قاره آمریکا را به واسطه این شبکه‌های اجتماعی تفسیر کرده‌اند. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی افرادی همانند مک‌دونالد و مک‌دونالد^۲ (۱۹۶۴)، ریتچی^۳ (۱۹۷۶) و دجونگ و گاردنر^۴ (۱۹۸۱) فرایند مهاجرت زنجیره‌ای را از طریق نقشی که توسط خویشاوندان و آشنایان در تهیه اطلاعات و تسهیل کردن مهاجرت ایفاء می‌گردد، مطالعه کرده‌اند. باید توجه داشت، مفهوم شبکه اجتماعی برای تبیین پدیده‌های متعددی در تحقیقات مهاجرت استفاده می‌شود. از آن جمله می‌توان به مهاجرت زنجیره‌ای^۵ (مسی^۶ ۱۹۹۰) اشاره کرد که توسط کنی و پرایس^۷ در سال ۱۹۶۳ به کار گرفته شده است. مک‌دونالد و مک‌دونالد (۱۹۶۴: ۸۲) مهاجرت زنجیره‌ای را "حرکتی که مهاجران بالقوه با آگاهی یافتن از فرصت‌ها برای جابه‌جایی آماده شده، انطباق اولیه را بدست آورده و منزل و شغل اولیه خود را از طریق روابط اجتماعی با مهاجران قبلی تهیه می‌نمایند"، تعریف کرده‌اند.

در مطالعات اخیر، اصطلاح مهاجرت شبکه‌ای^۸ به تدریج جایگزین مهاجرت زنجیره‌ای شده است. بیشترین کارها در این زمینه توسط مسی (۱۹۹۰) و همکارانش (۱۹۸۷؛ ۱۹۹۳؛ ۱۹۹۴) صورت گرفته است. آنها در کارهایشان، شبکه‌های اجتماعی را بیشتر بعنوان "علیت چرخشی و تراکمی مهاجرت"^۹ برشمرده‌اند. روابط اجتماعی در بوجود آوردن بسترهای اطلاعات، چارچوب‌ها برای تصمیم‌گیری و شرایط برای حمایت اجتماعی و ادغام (پرتز^{۱۰} ۱۹۹۵؛ فایست^{۱۱} ۲۰۰۰)، نقش محوری دارند.

در مطالعات مهاجرت داخلی ایران (و نیز در مهاجرت‌های داخلی سایر کشورها)، مهاجرت شبکه‌ای کمتر مورد توجه قرار گرفته است و بیشتر با رویکرد نظری جاذبه و دافعه (که در آن کنشگران فردی در نتیجه ارزیابی عقلانی به مهاجرت اقدام می‌کنند) به مطالعه مهاجرت‌های داخلی پرداخته‌اند. حتی تعداد محدود محققین که در زمینه مهاجرت بین‌المللی (مهاجرت انبوه ایرانیان به کشورهای

1. Teteryatnikova
2. MacDonald and MacDonald
3. Ritchey
4. DeJong and Gardner
5. Chain Migration
6. Massey
7. Kenny and Price
8. Network Migration
9. Circular and Cumulative Causation of Migration
10. Portes
11. Faist

حوزه خلیج فارس) کار کرده‌اند، الگوی مفهومی- تحلیلی‌شان همان رویکرد جاذبه و دافعه بوده است. مطالعه جریان مهاجرت از طریق رویکرد شبکه‌های مهاجرت در ما این دیدگاه را تقویت می‌کند که مهاجرت را صرفاً نتیجه تصمیمات فردی کنشگران و یا نتیجه منحصر به فرد عامل اقتصادی تلقی نکنیم، بلکه آن را بعنوان یک محصول اجتماعی که از تعامل و پیوند همه این عوامل ناشی می‌شود، در نظر بگیریم. حجم انبوه و دنباله‌دار مهاجران جابجا شده از استان آذربایجان شرقی به مقصد استان تهران در طی دهه‌های گذشته، این زمینه را به وجود آورده است تا بتوان رویکردهای نظری و مفهومی مهاجرت شبکه‌ای را مورد استفاده قرار داد.

هدف مقاله حاضر مشخص نمودن نوع مهاجرت‌های صورت گرفته از استان آذربایجان شرقی به شهرستان‌های منتخب استان تهران و تعیین کننده‌های این جریان‌های مهاجرت با تأکید بر مهاجرت شبکه‌ای است. به‌طور مشخص‌تر، سوال مطرح این است که در مهاجرت انبوه و شبکه‌ای از استان آذربایجان شرقی به شهرستان‌های منتخب استان تهران، عوامل جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی و ساختاری چه سهم و نقشی دارند؟

از مسائل مهاجرت‌های شبکه‌ای، "اثرات فرهنگی مهاجرت"^۱ (دهاس ۲۰۱۰) است که مهاجرت بیشتر را موجب می‌گردد. این مهاجرت‌ها بیشتر متأثر از تغییرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی حاصل از جریان‌های مهاجرت قبلی است. قرار گرفتن در معرض ثروت و سبک زندگی مهاجران (برگشتی) به تغییر سلیقه‌های ساکنان محلی منجر می‌شود. تقاضا برای کالاهای وارداتی را افزایش و تقاضا برای کالاهای تولید شده محلی را کاهش داده که در نتیجه آن اقتصاد محلی تضعیف شده و نیاز به مهاجرت را جهت پاسخگویی به آنها افزایش می‌دهد. همچنین، حجم مهاجرت‌های شبکه‌ای با منشأ روستایی معمولاً منجر به تخریب و خالی از سکنه شدن مبدأهای مهاجرت گردیده و خسارات جبران ناپذیری بر پیکره بخش کشاورزی اقتصاد وارد می‌کند.

مبانی نظری

نظریه شبکه اجتماعی مهاجرت با کمک گرفتن از سایر نظریه‌های مهاجرت (به ویژه نظریه سرمایه اجتماعی) و با پیوند نظریه‌های سطح کلان و خرد، تأکید عمده‌ای بر عامل‌های اجتماعی مؤثر در مهاجرت افراد دارد. این مدل تحلیلی به طور مشخص در اوایل دهه ۱۹۸۰ مطرح گردید. برای بیش از دو دهه گذشته، کارهای تجربی و نظری قابل ملاحظه‌ای توسط مسی و دیگران وجود دارد که با جزئیات بیشتر روابط بین شبکه‌ها، تصمیم‌گیری‌های مهاجرت، هزینه‌های مهاجرت و عوامل دیگر را

1. Cultural Impacts of Migration
2. de Hass

مورد بررسی قرار داده‌اند. فاسل^۱ و مسی (۲۰۰۴) با ارائه شواهدی اسنادی و آماری نشان می‌دهند اهمیت و به‌کارگیری شبکه‌ها در تحلیل‌های مهاجرت در حال افزایش است.

صرفاً آغاز شکل‌گیری شبکه‌های مهاجرانفرادی است. "افراد بعنوان کنشگران چاره‌ساز، از مجموعه گزینه‌ها یکی را انتخاب می‌کنند، درحالی‌که اجبارها و ساختارهای فرصت برانتخاب آنها اعمال محدودیت می‌کند" (هاج^۲ ۲۰۰۸: ۵۸۶). روابط اجتماعی حاصل از شبکه‌های اجتماعی، تأثیر ساختارهای اجتماعی و اقتصادی را به افراد و خانواده‌ها انتقال داده و اطلاعاتی را درباره مکان‌های مقصد و منابع کمکی حاصل از آن منعکس می‌کنند.

در مهاجرت شبکه‌ای، به عملکرد شبکه‌های اجتماعی بین مهاجران واقع در مقصد و خویشاوندان و آشنایان واقع در مبدأ اهمیت داده می‌شود (دجونگ و گاردنر ۱۹۸۱؛ تیلور^۳ ۱۹۸۶؛ سیسیپ و فاوست^۴ ۱۹۸۸؛ مسی و همکاران ۱۹۹۸). اگر مهاجران بالقوه روابط اجتماعی شان را با خویشاوندان در مقصد ادامه دهند، در این صورت هزینه‌ها و خطرها برای مهاجران جدید بالقوه کاهش یافته، در نتیجه جریان مهاجرت موجود تداوم خواهد یافت. تماس بین مهاجران بالقوه در مناطق مهاجرپرست و اعضای خانواری که در خارج زندگی می‌کنند منجر به افزایش تمایلات قبلی برای مهاجرت به آن مناطق می‌شود (هیپینگ و همکاران^۵ ۲۰۰۴). در این نظریه، وجود خویشاوندان در خارج یک اثر مثبت بر تمایل به مهاجرت غیرمهاجران داشته و شبکه‌های اعتماد در انسجام جریان‌های مهاجرت بین مردم مبدأ و مقصد مهم می‌باشد.

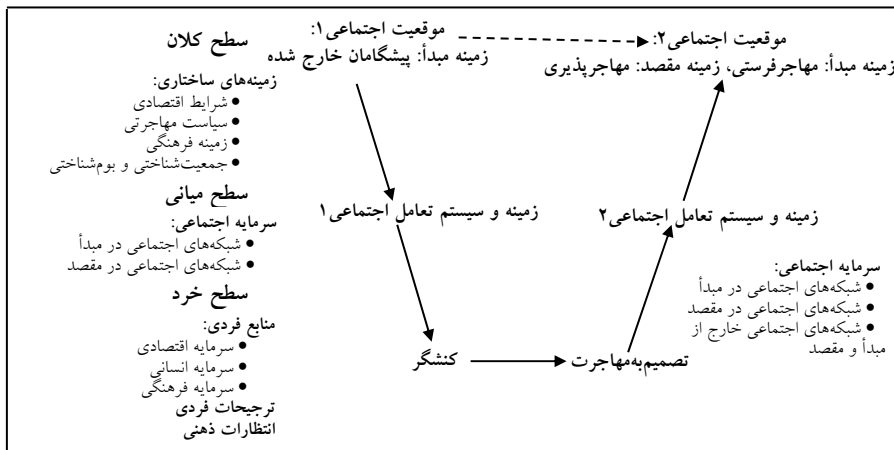
مفهوم علیت تراکمی که توسط میردال^۶ در سال ۱۹۵۷ جهت تبیین افزایش نابرابری بین مناطق و کشورهای ثروتمند و فقیر نظریه‌سازی شده است، توسط مسی برای تبیین پیوستگی مهاجرت مورد توجه قرار گرفته است. در نظریه "مهاجرت تغییراتی را در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی به وجود می‌آورد که زمینه مهاجرت‌های گسترده را موجب می‌شود" (مسی ۱۹۹۰: ۵). به واسطه علیت تراکمی، برخی از هزینه‌ها برای مهاجر کاهش می‌یابد و برای مجموعه دیگری از مردم روابط شبکه جدید با محیط مقصد به وجود می‌آید. تأثیر ساختاری شبکه‌ها در کاهش هزینه در محاسبه هزینه-فایده، جریان مهاجرت پویا و قوی را به وجود می‌آورد.

هاج (۲۰۰۸) در یک مدل تحلیلی با سطوح کلان- میانی- خرد، ارتباط شبکه‌های اجتماعی

1. Fussell
2. Haug
3. Taylor
4. Sycip and Fawcett
5. Heering et al
6. Myrdal

مهاجرت (سطح میانی) را با مهاجران کنشگر (سطح خرد) و زمینه‌های مناطق مبدأ و مقصد (سطح کلان) به تصویر کشیده است (شکل ۱). در این مدل تصمیم‌گیری به مهاجرت، کنشگران فردی (سطح خرد) در زمینه‌های اجتماعی (سطح میانی) قرار گرفته و مبتنی بر شرایط ساختاری کلان است. از لحاظ موقعیت‌های اجتماعی، مهاجران بالقوه در اثر ارتباط و تعامل اجتماعی با مهاجران پیشگام تصمیم به مهاجرت می‌گیرند. در اثر این مهاجرت، زمینه ارتباطات اجتماعی بیشترین مناطق مبدأ و مقصد به وجود می‌آید که این ارتباطات زمینه مهاجرتی را در مناطق مبدأ فراهم می‌نماید.

شکل ۱. مدل هاج در زمینه روابط چند سطحی بین تصمیم‌گیری به مهاجرت و شبکه‌های اجتماعی مهاجر



اقتباس و تعدیل از منبع: هاج ۲۰۰۸: ۵۹۰

هاج (۲۰۰۸: ۵۸۹) در زمینه اثرات روابط اجتماعی و خویشاوندی بر تصمیم‌گیری مهاجرت از پنج فرضیه ذیل استفاده نموده است:

۱. **وابستگی**، وجود خویشاوندان و دوستان در مکان مبدأ تمایل به مهاجرت را کاهش می‌دهد.
 ۲. **اطلاعات**، وقتی خویشاوندان و دوستان در مکان دیگری زندگی می‌کنند، به دلیل اینکه شرایط زندگی مانند فرصت‌های شغلی در جای دیگر از طریق کانال‌های اطلاعاتی معلوم می‌شود، تمایل به مهاجرت افزایش می‌یابد.

1. Affinity
2. Information

آسان کردن^۱، خویشاوندان و دوستان از طریق آسان کردن تطبیق با محیط جدید، جستجوی کار، حمایت مادی و تدارک پیوندهای اجتماعی جدید، مهاجرت افراد دیگر را به مکان اقامت خودشان ترغیب می‌نمایند.

نزاع^۲، نزاع‌های درون خانواده و فامیل در اجتماع مبدأ باعث مهاجرت می‌گردد. ترغیب‌کننده^۳، بعنوان استراتژی تأمین درآمد خانواده، خانواده‌ها اعضای خودشان را جهت بدست آوردن کار و درآمد به مهاجرت تشویق می‌کنند.

ملاحظه می‌شود وجود شبکه‌های اجتماعی همیشه بعنوان یک عامل جاذبه نبوده و با توجه به موقعیت این شبکه‌ها در مناطق مبدأ و مقصد و همچنین سودی که این شبکه‌ها به اعضای دیگر می‌رسانند، می‌تواند عامل دافع هم باشد. فرضیه اطلاعات و آسان کردن بیشترین تشابه مفهومی و تحلیلی را با مسأله مطرح شده در این مقاله دارد. این فرضیه‌ها اساس تصمیم به مهاجرت مهاجران بالقوه را در زمینه مهاجرت شبکه‌ای شرح می‌دهد.

هاج (۲۰۰۸) فرایند مهاجرت شبکه‌ای را بعنوان فرایند اشاعه مدل‌سازی کرده که معمولاً الگوی منحنی S شکلی را دنبال می‌کند. میزان سرایت به آرامی و سپس به شدت افزایش یافته و با رسیدن به آستانه، میزان آن کاهش می‌یابد. وی فرض کرده با هر مهاجر جدید، سرمایه اجتماعی در مکان مبدأ کاهش می‌یابد. بنابراین، هر زمانی که میزان سرایت به صفر برسد، فرایند اشاعه متوقف خواهد شد. پس، در طول زمان میزان تراکمی مهاجرت الگوی منحنی S شکل و میزان خالص مهاجرت الگوی منحنی زنگوله‌ای شکل خواهند داشت. بائرو همکاران^۴ (۲۰۰۶) و اپستاین^۵ (۲۰۰۸) باتوجه به شواهد تجربی به این منحنی زنگوله‌ای تأکید دارند. بطوریکه اگر تعداد مهاجران افزایش یابد، رقابت بیشتری برای مشاغل به وجود خواهد آمد که خود باعث کاهش دستمزد مهاجران خواهد شد. این در نهایت سبب کاهش جذابیت یک مقصد خاص می‌گردد، به ویژه اینکه اگر مهاجران در رابطه با انتخاب نامطلوب دست به مهاجرت زده باشند. در این صورت مهاجران اولیه تمایل کمتری برای کمک به افراد کم توان جهت مهاجرت خواهند داشت.

مشخص است جریان‌های مهاجرت به سوی یک منطقه خاص با مبدأ مشترک، تحریک‌کننده مهاجران بیشتری از همان مبدأ به مقصد مورد نظر است (هلمنستاین و یگوروف^۶ ۲۰۰۰). این مورد در

1. Facilitating
2. Conflict
3. Encouraging
4. Bauer et al
5. Epstein
6. Helmenstein and Yegorov

متون مهاجرت به "رفتار توده‌ای" تعبیر شده است که یک مفهوم روانشناختی- اجتماعی بوده و به آن رفتار مهاجرتی اشاره دارد که در نتیجه چشم هم چشمی اتفاق می‌افتد. مقیمان منطقه‌ای خاص با مشاهده مهاجرت عده زیادی از هم‌ولایتی‌های خود تحت تأثیر قرار گرفته و به تبعیت از آنها دست به مهاجرت می‌زنند. این نوع مهاجرت‌ها برخلاف مهاجرت‌های شبکه‌ای، بدون هیچ نوع اطلاع و آگاهی از فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی در مقصد صورت می‌گیرد. اپستاین (۲۰۰۲؛ ۲۰۰۸) بین اثرات توده و شبکه تمایز قایل شده است. وی معتقد است مهاجرانی که بدون هیچ اطلاعاتی درباره مقصد در پی مهاجران پیشگام مهاجرت می‌کنند، در نتیجه اثر توده است. این امر برای مهاجران جدید انتخاب منطقی است که بدون هیچ اطلاعی از مقصد جدید و با فرض اینکه مهاجران اولیه از اطلاعاتی برخوردار بوده‌اند که این‌ها آن اطلاعات را نداشته و نیز اینکه اکثریت مهاجران نمی‌توانند اشتباه کرده باشند، مهاجران قبلی را دنبال کنند. شواهد تجربی وی نشان می‌دهد دو عامل رفتار توده و شبکه‌های اجتماعی در تبیین نحوه تصمیم‌گیری در زمینه انتخاب یک مقصد همدیگر را تکمیل می‌نمایند.

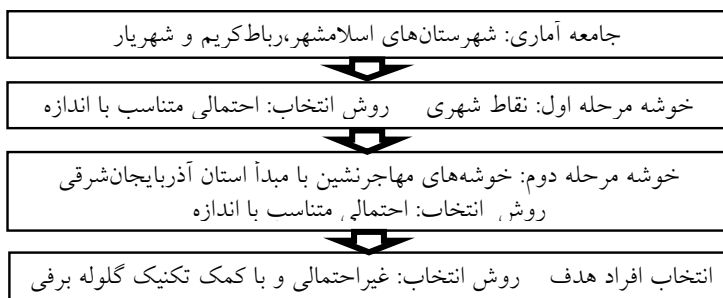
با توجه به ماهیت موضوع مورد بررسی، در زیر فرضیه‌ها و سوالاتی در زمینه شدت مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به استان تهران و عوامل موثر بر آن و اثرپذیری نوع مهاجرت‌ها از متغیرهای سطح خرد و کلان آورده می‌شود:

- در دهه‌های اخیر روند و شدت مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به استان تهران به چه شکل بوده است؟
- نوع مهاجرت‌های صورت گرفته از استان آذربایجان شرقی به استان تهران برحسب ویژگی‌های جمعیتی (سن و وضع تأهل) و موقعیت‌های اجتماعی- اقتصادی (تحصیلات، اشتغال و وضع مالی) مهاجر متفاوت است.
- متغیرهای ساختاری (شهرستان مبدأ، سطح توسعه یافتگی مبدأ، شهر و روستا بودن مبدأ، دوره مهاجرت) در جهت‌دهی نوع مهاجرت‌های انجام گرفته از استان آذربایجان شرقی به مقصد استان تهران موثرند.
- در تبیین مهاجرت شبکه‌ای از استان آذربایجان شرقی به استان تهران، کدام یک از متغیرهای جمعیتی، اجتماعی- اقتصادی و ساختاری نقش تعیین‌کننده دارند؟
- در مهاجرت شبکه‌ای صورت گرفته از استان آذربایجان شرقی به استان تهران، متغیرهای سطح فردی و ساختاری چطور عمل نموده‌اند؟

داده‌ها و روش تحقیق

داده‌ها از ترکیب دوروش پیمایش و گروه‌های متمرکز جمع‌آوری شده است که بیشترین تأکید بر داده‌های پیمایش است. جامعه آماری در گروه‌های متمرکز، مهاجران مرد بالای ۲۰ سال با مبدأ شهرستان‌های سراب، میانه و هشترود ساکن در شهرستان‌های اسلامشهر، رباط‌کریم و شهریار است که تعداد هفت گروه هشت نفره (۵۶ نفر) از طریق نمونه‌گیری شبکه‌ای یا گلوله برفی انتخاب شده‌اند. جهت تنظیم چارچوب نمونه‌گیری نسبتاً دقیق، مهاجران مرد بالای ۲۰ سال در زمان مهاجرت که از سال ۱۳۷۵ استان آذربایجان شرقی را به مقصد شهرستان‌های اسلامشهر، رباط‌کریم و شهریار با محدوده جغرافیایی سال ۱۳۸۵ ترک کرده‌اند (حدود ۵۶ هزار نفر)، جامعه آماری پیمایش را دربر می‌گیرد که ۵۳۰ نفر با بکارگیری نمونه‌گیری خوشه‌ای با احتمال متناسب با اندازه انتخاب شده‌اند. مراحل دست‌یابی به واحد تحلیل از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای در شکل ۲ و توزیع نمونه‌ها در سطح خوشه‌های مرحله اول و به تفکیک شهرستان‌های مورد بررسی در جدول ۱ ارائه می‌شود.

شکل ۲. مراحل روش نمونه‌گیری خوشه‌ای با احتمال متناسب با اندازه در روش پیمایش



جدول ۱. توزیع نمونه‌های پیمایش به تفکیک شهرستان‌های جامعه آماری و خوشه‌های مرحله اول

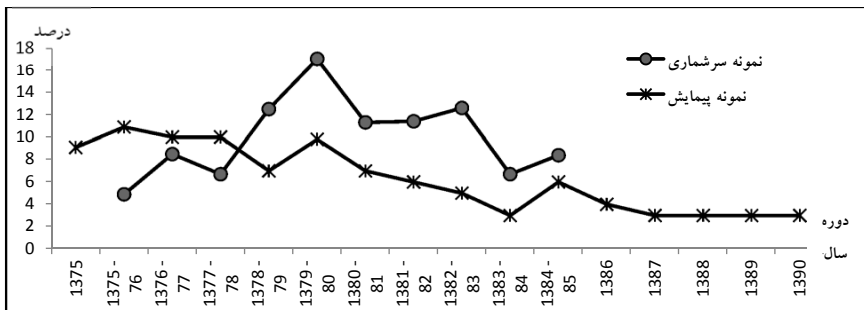
شهرستان (خوشه‌ها)	نقاط شهری	اسلامشهر	رباط کریم	شهریار	کل															
اسلامشهر	چهار دانگه	فانیمه	محمدیه	مهایه	میان آباد	رباط کریم	صلح آباد	گلستان	نسیم شهر	نصیر آباد	آلدیشه	باغستان	شاهشهر	شهریار	صیانه	فردوسیه	قلس	ماریک	ملارد	۵۳۰
تعداد نمونه	۸۵	-	-	-	-	-	-	-	۲	-	-	-	-	۷۸	-	-	-	-	۹۵	

1. Focus Groups
2. Network or Snowball Sampling

در بررسی مقدماتی، سوالی باز در پرسش‌نامه ارائه گردید که از طریق آن از پاسخگویان خواسته شد مهمترین علت مهاجرت خود از استان آذربایجان شرقی را بیان کنند. باتوجه به جواب‌های بدست آمده از ۵۰ پاسخگو و نیز یافته‌های حاصل از گروه‌های متمرکز و بررسی منابع موجود در این زمینه، جواب‌های احتمالی این سوال در هشت مقوله مشخص و نیز یک مقوله "سایر" قرار گرفت که از پاسخگو خواسته شده است تنها یک مورد را انتخاب نماید. مجموعه این جواب‌ها در قالب سه علت کلی؛ شبکه‌ای، توده‌ای و دافعه‌ای قرار داده شده است که می‌توان این علت‌های طبقه‌بندی شده را با نوع مهاجرت یکی دانست. گویه‌های تشکیل دهنده نوع مهاجرت و توزیع نسبی مهاجران برحسب آن در جدول ۲ آورده شده است.

جریان‌های مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به استان تهران طی دهه‌های ۱۳۵۰ الی ۱۳۹۰ جهت نشان دادن مهاجران جابجا شده از استان آذربایجان شرقی به استان تهران در هر یک از دوره‌های یک ساله واقع در فاصله زمانی ۱۳۷۵ الی ۱۳۸۵، از سوال "مدت اقامت در همین شهر یا آبادی" سرشماری ۱۳۸۵ و برای هر یک از سال‌های ۱۳۷۵ الی ۱۳۹۰ از سوال "سال مهاجرت از استان آذربایجان شرقی" مطرح شده در پیمایش استفاده شده است. با در نظر گرفتن نمودار ۱، داده‌های سرشماری نشان می‌دهد از مهاجران متعلق به دهه ۸۵-۱۳۷۵ بیشترین‌شان در دوره پنج ساله ۸۳-۱۳۷۸ مهاجرت کرده‌اند. برآمدگی معنی‌دار دوره ۸۰-۱۳۷۹ احتمالاً به گرد کردن جواب سوال "مدت اقامت در این شهر یا آبادی" برمی‌گردد که به نظر می‌رسد مهاجران جواب خود را به مدت اقامت "پنج سال" گرد کرده‌اند.

نمودار ۱. درصد مهاجران جابجا شده از استان آذربایجان شرقی به استان تهران در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ الی ۱۳۹۰



منبع: ترسیم براساس داده‌های ۲۰٪ سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ و داده‌های پیمایش ۱۳۹۱

۱. انجام کار با این فرض صورت گرفته است که مهاجران به درستی مدت اقامت خود را به مأمور سرشماری گزارش داده‌اند. با توجه به ماهیت گذشته‌نگر سوال، مسلم است تعداد قابل توجهی از مهاجران نمی‌توانند برآورد دقیقی از زمان مهاجرت گذشته‌شان داشته باشند. با این وجود می‌توان به یک الگوی مهاجرت سالانه برای جریان مهاجرتی مورد مطالعه دست یافت.

داده‌های پیمایش مسیر منظم‌تری را نسبت به داده‌های سرشماری نشان می‌دهد. باتوجه به این داده‌ها، شدت مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به استان تهران در فاصله زمانی ۱۳۷۵ الی ۱۳۹۰ روند نزولی منظمی دارد. برآمدگی متعلق به سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۵ به گرد کردن پاسخ "سال مهاجرت" به این دو سال برمی‌گردد. با هموارسازی آن در سال‌های پیرامونی، ملاحظه می‌شود یک روند نزولی منظمی بدست می‌آید که این امر کاهش شدت جریان‌های مهاجرت از آذربایجان شرقی به استان تهران را در طی ۱۵ سال اخیر نشان می‌دهد.

البته باید توجه داشت بیشترین جابجایی جمعیت از استان آذربایجان شرقی به شهرستان‌های منتخب استان تهران از اواسط دهه ۱۳۶۰ تا اواخر دهه ۱۳۷۰ صورت گرفته است. آنچه در گروه‌های متمرکز بیشتر بر آن تأکید گردید، شروع شدن این جریان‌های مهاجرتی از سال ۱۳۶۵ است. با توجه به رشد و توسعه فیزیکی و فضایی اکثر شهرهای پیرامونی شهرستان تهران (همانند اسلام‌شهر، رباط‌کریم و شهریار) در دهه ۱۳۵۰ و بیشتر در دهه ۱۳۶۰، از این دهه است که شاهد شکل‌گیری خوشه‌های مهاجر بیشتر با مبدأ آذربایجان شرقی در اکثر شهرک‌های این شهرستان‌ها هستیم. این مهاجران بیشتر شهرک‌های واقع در مجاورت جاده ساوه را به عنوان مقصد مهاجرتی خود انتخاب نموده‌اند. در این میان، شهرها و شهرک‌هایی همانند اسلام‌شهر، باغ‌فیض، میان‌آباد، رباط‌کریم، نسیم‌شهر (اکبرآباد)، صالح‌آباد، شهریار، مارلیک، گلستان و سبزدشت مورد توجه بوده‌اند.

انتخاب این مناطق توسط مهاجران بیشتر به صورت دسته جمعی بوده و در این مقطع زمانی (دهه ۱۳۶۰) است که خوشه‌های مهاجر از مناطق خاص آذربایجان (همانند اهالی یک روستا یا یک شهر کوچک) با فراوانی‌های قابل توجه بالای ۵۰ خانواراهی مناطق حاشیه‌ای استان تهران می‌شوند. مهاجرت‌های دسته‌جمعی خانواری و به تبع آن توده‌ای، از ویژگی خاص مهاجرت‌های صورت گرفته در دهه ۱۳۶۰ است. تاریخ‌های شکل‌گیری و تأسیس اکثر حسینیه‌ها، مساجد و نیز صندوق‌های حمایتی که در گروه‌های متمرکز برجسته شدند، اکثراً به دوره پنج ساله ۱۳۶۷ الی ۱۳۷۲ برمی‌گردد.

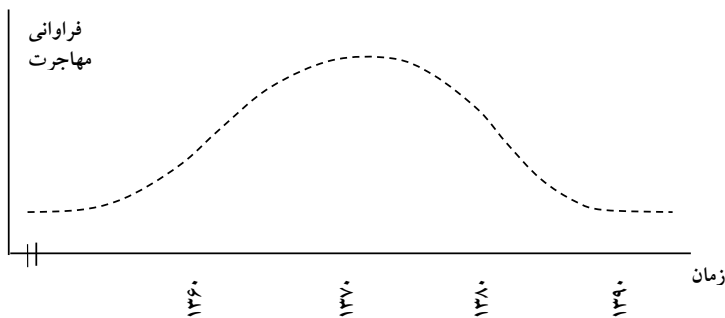
توافق عمومی در مصاحبه‌های صورت گرفته این است، جریان‌های مهاجرت مورد بحث تا اواسط دهه ۱۳۸۰ با شدت کمتر نسبت به دهه قبل (۱۳۷۰) همچنان ادامه داشته است. به‌ویژه به دوره چهارساله ۸۲-۱۳۷۸ بیشتر تأکید گردید که اکثراً مهاجران روستایی بودند و به دلیل به فروش رفتن محصولات کشاورزی و نیز بی‌آبی و کم‌آبی در نواحی دارای کشاورزی دیم، به صورت دسته‌های روستایی مهاجرت کرده‌اند.

آنچه مسلم است اینکه شدت جریان‌های مهاجرت آذربایجان شرقی- تهران از اواسط دهه ۱۳۸۰ به این طرف رو به کاهش است. هم داده‌های پیمایش آن را نشان داده و هم بحث‌های برآمده از گروه‌های متمرکز آن را تأیید می‌کند. در همه بحث‌های گروهی، مهاجران شرکت‌کننده معتقدند در

مهاجرت شبکه‌ای و تعیین‌کننده‌های آن: مطالعه جریان‌های مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به استان تهران

چند سال اخیر شدت مهاجرت از آذربایجان شرقی با محوریت شهرستان‌های سراب، میانه و هشترود به شهرستان‌های منتخب استان تهران کم شده است. با توجه به شبکه‌های ارتباطی که افراد شرکت‌کننده در مصاحبه با سایر هم‌ولایتی و هم‌استانی‌های خود در سایر شهرک‌ها و شهرستان‌های استان تهران داشتند، برای این نیز تأکید گردید تقریباً مهاجرت به اکثر مناطق استان تهران از آذربایجان شرقی روند کاهشی دارد و به احتمال زیاد در آینده نیز ادامه خواهد یافت.

نمودار ۲. الگوی تجربی فراوانی مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به استان تهران طی دهه‌های ۱۳۵۰ الی ۱۳۹۰



منبع: داده‌های پیمایش و گروه‌های متمرکز

براساس جمع‌بندی دلایل برآمده از گروه‌های متمرکز، شکل کاهشی خالص مهاجرت از دهه ۱۳۸۰ به بعد (شیب سمت راست منحنی نمودار ۲) را می‌توان در دو علت مهم خلاصه نمود. اول اینکه جذابیت و ظرفیت اولیه مناطق پیرامونی استان تهران برای جذب مهاجر از بین رفته است. بالا رفتن قیمت زمین‌ها و واحدهای مسکونی، اشباع کارها و مشاغل (به‌خصوص مشاغل کاذب)، هزینه‌بر بودن رقابت‌های بازرکار برای مهاجران قدیمی و عدم تمایل آنها بر تشویق و کمک به مهاجران جدید (بالتوجه)، از جمله دلایل کم‌رنگ شدن جاذبه مقصدهای انتخابی است. مهاجران شرکت‌کننده در گروه‌های متمرکز به هیچ عنوان دوست نداشتند مهاجر جدیدی از خویشان و آشنایان‌شان به این مناطق وارد شوند. اینها معتقدند هم اکنون امکانات و تسهیلات رفاهی و معیشتی در مبدأها (که بیشتر روستاها بودند) بهتر از این جاهایی است که آنها زندگی می‌کنند. مقصدهایی که آنان زندگی می‌کنند، دیگر آن فرهنگ اولیه و قبلی (که هم‌خوانی بیشتری با فرهنگ خاستگاه‌شان داشت) را نداشته و هر روز شاهد بدتر شدن وضعیت اجتماعی- فرهنگی در مناطق زندگی خود هستند. دلیل دوم اینکه در طی چند سال اخیر، مهاجرت‌های برگشتی قابل توجهی از مناطق مورد مطالعه انجام گرفته است. افراد شرکت‌کننده در بحث‌های گروهی شواهد متعددی از مهاجرت خویشاوندان و آشنایان خود به مقصد محل

سکونت اولیه (محل تولد) خودشان در آذربایجان شرقی ارائه دادند. دیدگاه اغلب شرکت کنندگان این است که احتمال شدت گرفتن این مهاجرت‌های برگشتی در آینده بیشتر از این نیز خواهد شد.

مهاجرت‌های شبکه‌ای، توده‌ای و دافعه‌ای از استان آذربایجان شرقی به استان تهران

بالای ۷۰٪ پاسخگویان بیان داشتند به خاطر وجود اعضای خانواده، فامیل و نیز دوست و همسایه در شهری که الان زندگی می‌کنند (یا شهر نزدیک به آن)، دست به مهاجرت زده‌اند. مهاجرت به خاطر وجود فامیل بیشترین درصد از کل علت مهاجرت را به خود اختصاص داده است. از نکات قابل توجه، تأثیر جریان‌های مهاجرت در مبدأهای مهاجران بر تصمیم به مهاجرت آنان است. حدود ۶٪ معتقدند چون بیشتر مردم از محل سکونت آنها مهاجرت می‌کردند، وی نیز اقدام به مهاجرت کرده است. همچنین، ۵/۵٪ آنها گزینه "احساس کردم اگر مهاجرت نکنم از سایر هم‌ولایتی‌هایم که مهاجرت کرده‌اند عقب می‌افتم" را انتخاب نموده‌اند. ملاحظه می‌شود اثر رفتار توده در جابجایی قسمتی از مهاجران استان آذربایجان شرقی واقع در استان تهران مؤثر بوده است.

جدول ۲. توزیع نسبی مهاجران برحسب گویه‌های تشکیل دهنده مهاجرت‌های شبکه‌ای، توده‌ای و دافعه‌ای

نوع مهاجرت	گویه‌ها	تعداد	%
شبکه‌ای	بیشتر فامیل‌هایم مهاجرت کرده بودند، من نیز تصمیم به مهاجرت گرفتم	۳۸۴	۳۲/۸
	چون از اعضای خانواده‌ام مهاجرت کرده بودند، من نیز مهاجرت کردم		۲۰/۷
	باتوجه به مهاجرت اکثر دوستان و همسایه‌ها، من نیز تصمیم به مهاجرت گرفتم		۲۰/۰
توده‌ای	چون اکثر مردم از منطقه ما مهاجرت می‌کردند، من نیز تصمیم به مهاجرت گرفتم	۵۸	۵/۷
	احساس کردم اگر مهاجرت نکنم از سایر هم‌ولایتی‌هایم که مهاجرت کرده‌اند عقب می‌افتم		۵/۴
دافعه‌ای	مهاجرت را تنها راه بیرون آمدن از محل زندگی قبلی‌ام می‌دانستم	۸۰	۱/۹
	نبود امکانات و رفاه، بیشترین دلیل مهاجرت بود		۳/۸
	بیکاری یا نبود کار مناسب، بیشترین دلیل مهاجرت بود		۷/۵
	سایر		۲/۲
کل		۵۲۲	۱۰۰/۰

منبع: داده‌های پیمایش

نتیجه بدست آمده از سوال علت مهاجرت به خوبی نشان می‌دهد بیشترین علت مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به استان تهران علت‌های اجتماعی (رفتار شبکه‌ای و همچنین رفتار توده‌ای) است که بالای ۸۰٪ علت‌های مهاجرت افراد را دربر می‌گیرد. البته این امر (توجه اجتماعی علت مهاجرت) در زمینه جریان‌های مهاجرت و نیز نمونه آماری مورد مطالعه مصداق پیدا می‌کند و به احتمال زیاد در خارج از چارچوب جامعه آماری مقاله، علت‌های اقتصادی (همانند نتایج اکثر مطالعات صورت گرفته شده در زمینه علل مهاجرت در ایران) بر اجتماعی غلبه پیدا خواهد کرد. حدود ۱۵٪ از

علت‌های مهاجرت وجهه دافعه‌ای دارند و بیشتر مهاجران متعلق به این مقوله به خاطر نبود امکانات، رفاه و کار مناسب در مبدأ خود (که محرک‌های اقتصادی هستند) اقدام به مهاجرت کرده‌اند. در گزینه "سایر"، همه جواب‌ها در حول مقوله اقتصادی مرتبط با مبدأ و مقصد مهاجران ارائه گردیده است.

متغیرهای جمعیتی - ساختاری و انواع مهاجرت‌های شبکه‌ای، توده‌ای و دافعه‌ای

باتوجه به نقش محوری شهرستان مبدأ در فرایند مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به استان تهران، در تحلیل و تجزیه نوع مهاجرت‌های صورت گرفته نیز به شهرستان مبدأ به عنوان یک متغیر ساختاری مهم توجه شده است و فرض بر این است مهاجران از سه شهرستان سراب، میانه و هشترود مهاجرت شبکه‌ای بیشتری را نسبت به سایر شهرستان‌های آذربایجان شرقی دارند. جدول ۳ تأیید این فرضیه را به خوبی نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود مهاجران از سه شهرستان مذکور درصد مهاجرت شبکه‌ای بیشتری را نسبت به سایر شهرستان‌های آذربایجان شرقی دارند که در این میان درصد بدست آمده برای شهرستان سراب بیشتر از دو شهرستان دیگر است.

نکته قابل توجه در زمینه رابطه شهرستان مبدأ و نوع مهاجرت، غلبه مهاجرت‌های توده‌ای در شهرستان‌های محروم از لحاظ توسعه یافتگی (بستان آباد، اهر، کلیبر و هشترود) نسبت به سایر شهرستان‌ها و غلبه مهاجرت‌های دافعه‌ای بر توده‌ای در شهرستان‌های برخوردار و نیمه برخوردار (تبریز، مراغه و مرند) است. این امر نشان می‌دهد عدم برنامه‌ریزی برای رفتار مهاجرتی، بیشتر برای مهاجران از مناطق محروم استان آذربایجان شرقی موضوعیت داشته و در مناطق برخوردار نیز، این فقیرترین افراد هستند که بیشتر اقدام به مهاجرت می‌کنند.

مهاجرت شبکه‌ای برای مهاجران روستایی ۶٪ بیشتر از مهاجران شهری است و در مهاجرت توده‌ای وضعیت معکوسی ملاحظه می‌شود. اجتماعات کوچک روستایی و روابط اجتماعی گسترده در آن نسبت به جوامع شهری، می‌تواند موجب این تفاوت باشد. در مهاجرت‌های توده‌ای که اثرپذیری کمتری از روابط اجتماعی و نیز شدت روابط دارند، این امر مصداق دارد. البته این تفاوت‌های درصدی از لحاظ آماری معنی دار نبوده و می‌توان الگوی آماری مشابهی را برای نوع مهاجرت‌های بدست آمده از نقاط روستایی و شهری آذربایجان شرقی به مقصدهای منتخب استان تهران قلمداد نمود.

جدول ۳. توزیع نسبی مهاجران برحسب نوع مهاجرت به تفکیک شهرستان و روستا/شهر بودن مبدأ

مبدأ:	سراب	میانه	هشترود	تبریز	مراغه	مرند	بستان‌آباد	اهر	کلبر	شهر	روستا	
شبکه‌ای	۸۵/۰	۸۳/۰	۷۴/۰	۷۲/۰	۶۹/۰	۶۱/۰	۶۴/۰	۶۶/۰	۴۱/۰	۷۰/۰	۷۶/۰	
توده‌ای	۷/۵	۱۱/۰	۱۵/۰	۴/۰	۸/۰	۶/۵	۱۵/۰	۱۱/۰	۲۹/۰	۱۴/۰	۹/۰	
دفاعه‌ای	۷/۵	۶/۰	۱۱/۰	۲۴/۰	۲۳/۰	۳۲/۵	۲۱/۰	۲۳/۰	۳۰/۰	۱۶/۰	۱۵/۰	
تعداد	۱۰۷	۱۱۱	۸۵	۴۷	۳۹	۳۱	۳۳	۳۵	۳۴	۲۲۴	۲۹۸	
	Cramer's V = ۰,۲۴ P < ۰,۰۰۱						$\chi^2 = ۳,۴ P > ۰,۰۵$					

منبع: داده‌های پیمایش

در تحقیق حاضر، وضع تأهل افراد از جمله متغیرهای جمعیتی مهم است که رابطه معنی‌داری (در سطح ۰/۰۰۱) با نوع مهاجرت‌های صورت گرفته دارد. نزدیک ۸۰٪ مهاجران در زمان مهاجرت‌شان متأهل بوده و در مقایسه با مهاجران مجرد در علت مهاجرت‌شان، اثرات شبکه‌ای بیشتر مؤثر بوده است. متأهل بودن یکی از وقایع جمعیتی تکرار ناپذیر است که وقتی حادث شد با خود پیامدهای اجتماعی زیادی به همراه دارد. از جمله آن می‌توان به گسترش دایره روابط و در نتیجه آن افزایش وابستگی اجتماعی اشاره کرد. با توجه به این تشدید روابط اجتماعی در متأهلین، می‌توان تفاوت ۲۲ نمره‌ای در درصد مهاجرت‌های شبکه‌ای بین مهاجران مجرد و متأهل را مشاهده نمود. درصد پایین مهاجرت‌های شبکه‌ای در میان مهاجران مجرد نسبت به متأهل، موجب گردیده درصد‌های مهاجرت‌های توده‌ای و دفاعه‌ای مهاجران مجرد بیشتر از متأهل باشد. بنابراین، می‌توان گفت مردان مجرد با میزان وابستگی و تعلق اجتماعی پایین، در زمان تصمیم‌گیری مهاجرت نسبت به متأهلین اتکالی نسبتاً کمتری به شبکه‌های مهاجر داشتند و انتخاب‌های شانسی (بدون برنامه‌ریزی و بدون شناخت) مقصد و نیز مهاجرت‌های ناشی از فشارهای مبدأ بر جهت دادن رفتار مهاجرتی‌شان اثرگذاری بیشتری داشته است. مهاجران با میانگین سنی ۳۱/۲ نزدیک ۹۰ درصدشان در دامنه سنی ۳۹-۲۰ سالگی قرار دارند. رابطه بین سن در زمان مهاجرت و نوع مهاجرت از طریق آزمون ضریب وابستگی (CC) مورد تأیید قرار می‌گیرد. درصد مهاجرت‌های شبکه‌ای در بین مهاجران ۴۰ سال به بالا بیشتر از سایر سنین است. مهاجران جوان (۲۹-۲۱ ساله) نیز نسبت به مهاجران میان سال ۳۹-۳۰ ساله تأثیرپذیری بیشتری از مهاجرت‌های شبکه‌ای دارند. تبعیت از رفتار توده‌ها و نیز انتخاب‌های دفاعه‌ای جریان‌های مهاجرت برای مهاجران میان سال ۳۹-۳۰ ساله درصد بیشتری را نسبت به مهاجران جوان و پا به سن گذاشته دارد. بخصوص برای مهاجران پا به سن گذاشته که خطر ترک تصادفی محل زندگی خویش را کمتر می‌پذیرند و بیشتر ترجیح می‌دهند با یک آگاهی کامل و از طریق روابط خانوادگی، خویشاوندی و دوستی،

محل زندگی جدید خود را در شهرستان‌های استان تهران انتخاب نمایند. در توجیه این تفاوت می‌توان به دو دلیل مهم استقلال مالی و عاطفی متفاوت در بین افراد جوان و پا به سن گذاشته اشاره نمود. در مورد جوانان بیشتر این وابستگی مالی است که موجب می‌گردد از طریق حمایت‌های شبکه‌ای دست به مهاجرت بزنند. در پا به سن گذاشته‌ها نیز می‌توان گفت وابستگی‌های عاطفی دلیلی بر پناه آوردن‌شان به مهاجرت‌های شبکه‌ای است.

واردکردن زمان (دوره) مهاجرت به تحلیل‌های مهاجرتی به این خاطر است تا بتوان اثرپذیری نوع مهاجرت‌های انجام گرفته از وقایع مقطعی مشتمل در محدوده زمانی مورد بررسی را نشان داد. فراوانی جریان مهاجرت شبکه‌ای از سال ۱۳۷۵ شروع به کاهش نموده است که به دلایل آن اشاره شد. تداوم شیب سمت راست منحنی نمودار ۲ را می‌توان بر اساس یافته‌های جدول ۴ تبیین نمود. گرچه با نزدیک شدن به دوره‌های زمانی مورد بررسی از درصد مهاجرت‌ها کاسته می‌شود، ولی بهتر است توجه شود درصد مهاجرت‌های شبکه‌ای برای دوره ۹۰-۱۳۸۶ بسیار بیشتر (متوسط ۱۳ رقم) از دو دوره قبل از آن است. گستردگی جریان‌های مهاجرت از آذربایجان شرقی به استان تهران در طی چندین دهه گذشته موجب گردیده است این روند مهاجرتی همچنان با شدت کمتر به روند خود ادامه دهد. گرچه از میزان تأثیرپذیری این جریان‌های مهاجرتی از علت‌های دافعه‌ای مبدأ به‌طور معنی‌داری کاسته شده است.

بیشترین درصد مهاجرت توده‌ای برای دوره زمانی ۸۰-۱۳۷۵ بدست آمده است. این امر متأثر از فراوانی مهاجرت‌های مورد مطالعه در یک دهه قبل از آن (۷۵-۱۳۶۵) که اوج مهاجرت از آذربایجان شرقی به استان تهران بوده است، می‌باشد. فراوانی جریان‌های مهاجرت و غلبه جو مهاجرتی در زندگی روزمره بومیان آذربایجان شرقی، طبیعتاً مهاجرت‌های تبعی حاصل از این جریان‌های مهاجرتی را نیز به همراه خواهد داشت. بنابراین، نزدیکی و دور بودن دوره‌های زمانی از شدت جریان‌های مهاجرتی، تداخل دوره‌های زمانی با حوادث طبیعی (بعنوان نمونه خشکسالی)، وقایع سیاسی و اقتصادی (همانند برنامه‌های متفاوت دولت‌ها در قبال فعالیت‌های کشاورزی و توجه به روستا) می‌تواند در تبیین غلبه نسبی نوع خاصی از مهاجرت‌ها در برهه‌های زمانی خاص مورد توجه قرارگیرد.

**جدول ۴. توزیع نسبی مهاجران برحسب نوع مهاجرت به تفکیک
وضع تأهل و سن در زمان مهاجرت و دوره مهاجرت**

دوره مهاجرت			سن در زمان مهاجرت			وضع تأهل		نوع مهاجرت
۸۶-۹۰	۸۱-۸۵	۷۵-۸۰	≥ ۴۰	۳۰-۳۹	۲۱-۲۹	متاهل	مجرد	
۸۴/۵	۷۳/۰	۷۰/۵	۸۷/۵	۶۵/۰	۷۸/۵	۷۷/۵	۵۶/۰	شبکه‌ای
۸/۵	۵/۵	۱۴/۵	۳/۵	۱۵/۰	۹/۰	۹/۵	۱۹/۰	توده‌ای
۷/۰	۲۱/۵	۱۵/۰	۹/۰	۲۰/۰	۱۲/۵	۱۳/۰	۲۵/۰	دفاعی‌ای
۸۴	۱۴۲	۲۹۶	۵۵	۲۲۵	۲۴۱	۴۱۱	۱۰۵	تعداد
CC = ۰,۱۸P < ۰, ۰۱			CC = ۰,۱۹ P < ۰, ۰۱			Cramer's V= ۰,۲ P < ۰,۰۰۱		

منبع: داده‌های پیمایش

موقعیت اجتماعی- اقتصادی افراد از جمله عواملی است که در مطالعات مهاجرت بر نقش تعیین کننده آن در تصمیم‌گیری به مهاجرت افراد تأکید می‌شود. در این مقاله بر این توجه شده است که متغیرهای نشان دهنده موقعیت اجتماعی- اقتصادی افراد (تحصیلات، اشتغال و وضع مالی) می‌توانند در شکل‌گیری نوع مهاجرت مؤثر باشند. به طوری که، افراد با سطوح تحصیلی، وضع مالی و موقعیت شغلی متفاوت، علت‌های متفاوتی را برای جابجایی‌های بین استانی خود خواهند داشت. مهاجران از هر سطح تحصیلی و نیز مهاجران بی‌سواد در جریان‌های مهاجرت از آذربایجان شرقی به شهرستان‌های پیرامونی استان تهران مشارکت دارند که حضور پررنگ تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی و نیز بی‌سوادها قابل توجه است. از ۸۱٪ مهاجر شاغل در زمان مهاجرت، ۳۱٪ زارع، ۱۲٪ باغدار، ۸٪ دامدار، ۱۰٪ کارگر (بیشتر کارگر مشاغل صنعتی و ساختمانی)، نزدیک ۱۱٪ راننده و مغازه‌دار و ۹٪ کارمند هستند. باتوجه به اینکه خاستگاه بیشتر مهاجران (۵۷/۵٪) روستاست، ملاحظه می‌شود شغل‌های مربوط به بخش کشاورزی درصد بیشتری را به خود اختصاص داده است. پاسخ‌گویان در زمینه سوال "در زمان قبل از مهاجرت‌تان به استان تهران وضع مالی‌تان نسبت به اطرافیان‌تان چطور بود؟" ۴۹٪ گزینه ضعیف، ۲۷٪ هم‌سطح و ۲۴٪ خوب را انتخاب نموده‌اند. این وضع مالی، سطح سواد (بالای ۴۵٪ بی‌سواد و تحصیلات نهضت و ابتدایی) و وضع اشتغال (۲۰٪ بیکار و بالای ۷۰٪ دارای مشاغل کشاورزی، کارگری، رانندگی و فروشندگی) پاسخ‌گویان نشان می‌دهد در زمان مهاجرت از موقعیت اجتماعی- اقتصادی چندان مناسبی برخوردار نبودند. مهاجران با وضع اجتماعی- اقتصادی خاص که چندان سازگاری با مشاغل شهری استان تهران نخواهند داشت!

سوال این است که، مهاجران بی‌سواد، بیکار و ناآشنا با مشاغل شهری و نیز با بنیه مالی ضعیف، با چه امیدی راهی مناطق شهری ناهمگون از لحاظ اقتصادی و اجتماعی می‌شوند؟! دقیق شدن در درصد

بدست آمده برای مهاجرت‌های شبکه‌ای به تفکیک متغیرهای موقعیت اجتماعی- اقتصادی افراد، جواب این تضاد رفتار جمعیتی را روشن می‌نماید. در هر سه متغیر، مقوله‌هایی که نشان از ضعف موقعیت اجتماعی- اقتصادی پاسخ‌گویان دارند، بیشترین درصد مهاجرت‌های شبکه‌ای را از آن خود کرده‌اند. با بهتر شدن وضع مالی افراد نسبت به اطرافیان‌شان، از درصد مهاجرت‌های شبکه‌ای کاسته می‌شود. باتوجه به معنی داری رابطه آماری می‌توان گفت افراد با موقعیت‌های مالی ضعیف‌تر بیشتر دست به مهاجرت‌های شبکه‌ای می‌زنند. درمقابل، مهاجرانی که وضع مالی‌شان خوب بوده است برای مهاجرت‌شان دلایل دافعه‌ای به نسبت بیشتری را آورده‌اند. در تحلیل رابطه نوع مهاجرت و تحصیلات، بی‌سوادها بیشترین درصد مهاجرت‌های شبکه‌ای را داشته و هرچقدر به سطوح تحصیلی بالاتر می‌رسیم از درصد مهاجرت‌های شبکه‌ای کاسته می‌شود. از جانب دیگر، مهاجرت‌های دافعه‌ای برای مهاجران با مدرک تحصیلی دانشگاهی بیشترین درصد را داشته و با کاهش سطوح تحصیلی از درصد آن نیز کاسته می‌شود. در وضع اشتغال، با وجود اینکه تفاوتی بین نوع مهاجرت‌های منتسب به مقوله‌های وضع اشتغال ملاحظه می‌شود (ازجمله تفاوت طبقه کارمند با دیگر طبقه‌های شغلی)، ولی باتوجه به غلبه زیاد فراوانی مشاغل کشاورزی، کارگری و رانندگی و نیز افراد بیکار نسبت به کارمندان در نمونه آماری، این تفاوت درصدها از لحاظ آماری معنی دار نشده است.

از جدول ۵ می‌توان نتیجه گرفت وجود اعضای خانواده، خویشاوند، دوست و آشنا و میزان رفت و آمد با آنها مهمترین دللی است که موجب گردیده است افراد کم توان از لحاظ اقتصادی و اجتماعی دست به تغییر محل زندگی خود زده و یک مسافت جغرافیایی نسبتاً طولانی را طی نمایند. درحالیکه افراد با موقعیت‌های بهتر، از این جابجایی ناشی از پیوستگی اجتماعی تا حدودی فاصله گرفته و بیشتر گزینه‌های دافعه‌ای مبدأ (که نسبتاً نتیجه انتخاب شخصی خویش است) را به عنوان دلیل مهاجرت قلمداد نموده‌اند.

جدول ۵. توزیع نسبی مهاجران برحسب نوع مهاجرت به تفکیک تحصیلات، اشتغال و وضع مالی در زمان مهاجرت

نوع مهاجرت	تحصیلات			وضع اشتغال			وضع مالی نسبت به هم‌تاه				
	بی سواد	ابتدائی نهضت	راهنمایی متوسطه	دانشگاهی	بیکار	کشاورز	کارگر راننده	کارمند	ضعیف	هم سطح	خوب
شبکه‌ای	۸۴/۰	۸۱/۵	۶۸/۰	۶۱/۰	۷۴/۰	۷۲/۰	۸۰/۰	۶۷/۵	۸۶/۰	۶۹/۰	۵۳/۰
توده‌ای	۱۳/۰	۱۲/۰	۱۱/۰	۸/۰	۱۱/۰	۱۲/۰	۱۰/۵	۸/۵	۶/۰	۱۶/۰	۱۷/۰
دافعه‌ای	۳/۰	۶/۵	۲۱/۰	۳۱/۰	۱۵/۰	۱۶/۰	۹/۵	۲۴/۰	۸/۰	۱۵/۰	۳۰/۰
تعداد	۹۹	۱۴۰	۲۰۶	۷۷	۱۰۰	۲۷۱	۱۰۵	۴۶	۲۵۴	۱۳۸	۱۲۴
			Cramer's V = ۰,۲۸P < ۰,۰۰۱			$\chi^2 = ۶,۰P > ۰,۰۵$			CC = ۰,۳۱ P < ۰,۰۰۱		

منبع: داده‌های پیمایش

تعیین‌کننده‌های مهاجرت‌های شبکه‌ای و توده‌ای از استان آذربایجان شرقی به استان تهران

در این قسمت تأثیر مجموع متغیرهای مستقل بر نوع مهاجرت‌ها از استان آذربایجان شرقی به استان تهران مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای این امر از تکنیک رگرسیون لجستیک چند وجهی استفاده می‌شود. به خاطر تأکید بر مهاجرت‌های شبکه‌ای و توده‌ای، در اینجا مهاجرت دافعه‌ای به عنوان طبقه مرجع در نظر گرفته شده و اثرگذاری متغیرهای مستقل بر مهاجرت‌های شبکه‌ای و توده‌ای سنجیده می‌شود. با توجه به نتایج آماره‌های برازش مدل^۲ و نیکویی برازش^۳ (جدول ۶)، مدل نهایی رگرسیون مدل خوبی است و با منتفی نمودن مدل صفر، متغیرهای مستقل وارد شده قادر هستند برازش نسبتاً دقیقی از واریانس متغیر وابسته ارائه دهند.

متغیرهای مستقل وارد شده در رگرسیون جهت محاسبه مدل نهایی عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های شبکه‌ای و توده‌ای عبارتند از: شهرستان مبدأ، سطح توسعه یافتگی مبدأ، شهر و روستا بودن مبدأ، زمان (دوره) مهاجرت، سن، وضع تأهل، اشتغال، سطح تحصیلات و وضع مالی در زمان مهاجرت. ضریب تعیین ناگل کرک^۴ نشان می‌دهد متغیرهای وارد شده در مدل توانسته‌اند حدود ۵۰٪ تغییرات نوع مهاجرت را تبیین کنند. می‌توان گفت، متغیرهای آورده شده در رگرسیون متغیرهای خوبی بوده و دارای قدرت تبیین‌کنندگی نسبتاً بالایی هستند.

در مدل رگرسیون مهاجرت شبکه‌ای متغیرهای؛ شهرستان مبدأ، دوره مهاجرت، وضع تأهل، سطح تحصیلات، اشتغال و وضع مالی وارد معادله شده‌اند که شهرستان مبدأ متغیر مستقل مهمی است. احتمال مهاجرت شبکه‌ای در مقایسه با مهاجرت دافعه‌ای از شهرستان میانه نزدیک ده برابر و سراب و هشترود پنج برابر بیشتر از سایر شهرستان‌های آذربایجان شرقی است. آماره والد و نسبت بخت‌ها برای متغیر دوره مهاجرت نشان می‌دهد احتمال مهاجرت شبکه‌ای در دوره ۸۵-۱۳۸۱ کمتر از پنج ساله اخیر بوده و مهاجرت‌های آن دوره بیشتر تحت تأثیر مهاجرت‌های دافعه‌ای است. وضعیت اول دوره و آخر دوره هم تقریباً شبیه به هم است.

مهاجران متأهل تأثیرگذاری بیشتری در مهاجرت‌های شبکه‌ای دارند. در جدول ۶ ملاحظه می‌شود احتمال مهاجرت شبکه‌ای مهاجران مجرد نسبت به متأهل خیلی کمتر بوده و مجردها بیشتر بر عوامل دافعه‌ای مهاجرت تأکید دارند. با مرجع قرار دادن سطح تحصیلات دانشگاهی، احتمال مهاجرت شبکه‌ای نسبت به دافعه‌ای در میان بی‌سوادها نزدیک ۲۹ برابر، ابتدایی و نهضت نه برابر و راهنمایی و متوسطه سه برابر بیشتر است. مهاجران با تحصیلات دانشگاهی بیشتر به خاطر عوامل دافعه‌ای

1. Multinomial Logistic
2. Model Fitting Information
3. Goodness-of-Fit
4. Nagelkerke R Square

مهاجرت کرده و با تکیه بر تحصیلات‌شان، در شناخت و اقدام به مهاجرت به استان تهران کمتر از بی‌سوادها و سایر سطوح تحصیلی بر شبکه مهاجرتی تکیه دارند.

یافته‌های مربوط به وضع اشتغال، نتایج متفاوت و دور از انتظاری را نشان می‌دهد. در مقایسه با مهاجران کارمند، مهاجران بیکار و کشاورز تأثیرپذیری کمتری از مهاجرت شبکه‌ای دارند. شاید بتوان گفت، تسهیل برقراری ارتباط کارمندان با سایر همکاران و دوستان خود در مکان‌های جغرافیایی دور و نیز آگاهی از فرصت‌های شغلی بهتر در مکان‌های دیگر از زادگاه خویش، دلیل چنین امری است. با کنترل آماری اثر تحصیلات در وضعیت کارمندی، سطح معنی‌داری و نسبت بخت‌ها نشان می‌دهد تحصیلات متغیر تأثیرگذاری نسبت به وضع اشتغال است. در مهاجرت‌های شبکه‌ای فرض بر این است افراد دارای وضع مالی ضعیف در زمینه تهیه سرپناه، کار موقت و تأمین هزینه‌های مهاجرت وابستگی بیشتری به شبکه‌های مهاجر داشته باشند. در این پژوهش هم ملاحظه می‌شود بیشترین احتمال مهاجرت شبکه‌ای در میان مهاجران با وضع مالی ضعیف است.

در زمینه تعیین‌کننده‌های مهاجرت توده‌ای نسبت به دافعه‌ای چهار متغیر شهرستان مبدأ، سطح توسعه‌یافتگی مبدأ، سطح تحصیلات و وضع مالی مهاجر در زمان مهاجرت معنی‌دار هستند. همانند مهاجرت شبکه‌ای، احتمال مهاجرت توده‌ای نسبت به دافعه‌ای از شهرستان میانه بیشتر از سایر شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی و نیز شهرستان‌های سراب و هشترود است. همچنین توسعه یافتگی مبدأ نیز مؤثر است، به طوری که احتمال مهاجرت توده‌ای از مناطق محروم نسبت به مناطق برخوردار نسبت بیشتری را شامل می‌شود. آنهایی که وضع مالی متوسط دارند نسبت به مهاجران با وضع مالی ضعیف و خوب بیشتر اقدام به مهاجرت‌های توده‌ای می‌کنند. این امر نشان می‌دهد مهاجران دارای وضع مالی متوسط هم از شبکه‌های مهاجر استفاده می‌کنند و هم اینکه بدون برنامه و شناختی از مقصد و به‌طور توده‌ای اقدام به مهاجرت می‌کنند.

در میان متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون، اثرگذاری سطح تحصیلات مهاجران بر مهاجرت توده‌ای بیشتر از سایر متغیرهای مستقل است. هر سه مقوله بی‌سواد، ابتدایی و نهضت، راهنمایی و متوسطه در مقایسه با دانشگاهی معنی‌دار بوده و با کاهش سطح تحصیلی مهاجران، بر احتمال مهاجرت توده‌ای آنها نسبت به مهاجرت دافعه‌ای افزوده می‌شود. این احتمال برای مهاجران بی‌سواد ۶۰ برابر، ابتدایی و نهضت ۲۰ برابر و راهنمایی و نهضت پنج برابر بیشتر از مهاجران دارای تحصیلات دانشگاهی است. بنابراین، بی‌برنامه‌گی مهاجرت در میان مهاجران دارای تحصیلات دانشگاهی به مراتب پایین‌تر از سایر سطوح تحصیلی و نیز بی‌سوادهاست.

جدول ۶. پیش‌بینی‌کننده‌های احتمال مهاجرت شبکه‌ای و نوده‌ای از استان آذربایجان شرقی به استان تهران

متغیرهای مستقل	نوع مهاجرت:	شبکه‌ای		نوده‌ای	
		آماره والد	نسبت بخت‌ها	آماره والد	نسبت بخت‌ها
شهرستان مبدأ	سراب	۱۱/۱**	۶/۰	۰/۰۰۲	۰/۹۷
	میانه	۱۵/۷**	۱۰/۷	۶/۵*	۷/۲
	هشترود	۶/۳*	۳/۷	۱/۱	۱/۸
دوره مهاجرت	سایر شهرستان‌ها (مرجع)	۰/۹۱	۰/۵۷	۰/۰۶۷	۱/۲
	۸۰ - ۱۳۷۵	۵/۷*	۰/۲۳	۲/۶	۰/۲۸
	۸۵ - ۱۳۸۱ ۹۰ - ۱۳۸۶ (مرجع)	۳۳/۲**	۰/۰۷	۰/۹	۰/۶۱
وضع تأهل	مجرد	۱۷/۰**	۲۸/۷	۱۶/۲**	۶۰/۰
	متأهل (مرجع)	۱۱/۶**	۸/۶	۱۲/۱**	۱۹/۵
	بی‌سواد	۳/۵*	۲/۷	۴/۳*	۴/۹
سطح تحصیلات	ابتدایی و نهضت	۵/۸*	۰/۱۷	۱/۹	۰/۲۷
	راهنمایی و متوسطه	۷/۴**	۰/۱۵	۱/۳	۰/۳۳
	دانشگاهی (مرجع)	۰/۰۳	۰/۸۷	۰/۸۷	۰/۳۸
وضع مالی	کارگر و راننده	۴۱/۱**	۱۷/۲	۱/۹	۲/۱
	کارمند (مرجع)	۱۵/۴**	۵/۴	۴/۸*	۳/۰
	ضعیف	۰/۴	۰/۷	۳/۸*	۹/۸
سطح توسعه مبدأ	محروم	۰/۷۲	۰/۶	۰/۵۹	۲/۵
	نیمه برخوردار برخوردار (مرجع)				

Model Fitting Information: Chi- Square = ۲۳۷**

Goodness-of-Fit: Chi- Square Pearson= ۸۹۶ Chi- Square Deviance= ۴۷۶

Nagelkerke R Square = ۰,۴۸ Cox and Snell R Square = ۰,۳۸

طبقه مرجع: مهاجرت دافعه‌ای

** معنی‌داری در سطح $P < ۰/۰۰۱$. * معنی‌داری در سطح $P < ۰/۰۵$

منبع: داده‌های پیمایش

نتیجه‌گیری

در یک قرن اخیر، متداوم‌ترین جریان مهاجرت بین استانی ایران همواره از استان آذربایجان شرقی به استان تهران بوده است. به خاطر تداوم و مهم بودن این نوع جریان مهاجرت در جابجایی جمعیت و جهت اهمیت دادن به ابعاد اجتماعی- جمعیتی مهاجرت، در این مقاله در کنار توجه به مهاجرت‌های

توده‌ای و دافعه‌ای، مهاجرت شبکه‌ای از استان آذربایجان شرقی به شهرستان‌های منتخب استان تهران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

مهاجرت شبکه‌ای شکلی از جابجایی مکانی تدریجی گروه‌های انسانی بین دو منطقه جغرافیایی به نسبت دور از هم است که این تحرک جمعیت به واسطه وجود و گسترش مجموعه روابط بین اعضاء و خانواده مهاجر بالقوه با خویشاوندان (نسبی - سببی) و دوستان و آشنایان در یک محیط جغرافیایی غیر از مبدأ (مقصد احتمالی) صورت می‌گیرد. مطابق با مباحث بائر و همکاران (۲۰۰۶)، اپستاین (۲۰۰۸) و هاج (۲۰۰۸)، گستردگی جریان‌های مهاجرت شبکه‌ای در ابتدا به آرامی بوده سپس به شدت افزایش می‌یابد و با رسیدن به مرحله آستانه، میزان شیوع آن کاهش یافته و در سطح پایین به روند خود ادامه می‌دهد. در زمینه جریان مهاجرت آذربایجان شرقی - تهران نیز مرحله اوج جریان به اتمام رسیده و در سطح پایین با شدت کمترین جریان‌های مهاجرت صورت می‌گیرد.

ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی مهاجران در جهت دادن مهاجرت‌های شبکه‌ای از استان آذربایجان شرقی به استان تهران بسیار مؤثرند. مهاجران هرچقدر ضعیف‌تر از هم‌تاهای خود باشند بیشتر به مهاجرت‌های شبکه‌ای روی می‌آورند. از لحاظ گونه‌شناسی جمعیتی می‌توان گفت؛ افراد بی‌سواد و دارای تحصیلات ابتدایی و نهضت، بیکار و کشاورز، مجرد، و آنهایی که دارای وضع مالی متوسط به پایین هستند، احتمال اینکه به مهاجرت‌های شبکه‌ای متوسل شوند بیشتر است. این ویژگی‌ها دو فاکتور مهم استقلال مالی و استقلال اطلاعاتی در زمان مهاجرت را به ذهن متبادر می‌کند. همین وضع اقتصادی - اجتماعی ضعیف مهاجران است که موجب می‌شود جهت جابجایی مکانی به یک محیط نسبتاً دور، از خویشاوندان و آشنایان خود در همان مقصد کمک گیرند.

در زمینه متغیرهای ساختاری مؤثر در مهاجرت‌های شبکه‌ای، به نقش مهم زمان و به عبارتی دوره مهاجرت مهاجران می‌توان اشاره کرد. این امر وابستگی پویایی جریان مهاجرت به زمان را نشان داده و به راحتی می‌توان به اهمیت فرایند اشاعه مهاجرت در این دوره زمانی پی برد. این اشاعه و گستردگی مهاجرت شبکه‌ای بیشترین تأثیرپذیری را از شهرستان میانه داشته و سپس شهرستان‌های سراب و هشترود قرار می‌گیرند. این امر به وضوح نشان می‌دهد چشمگیرترین جریان مهاجرت بین دو استان آذربایجان شرقی و تهران (از شهرستان‌های سراب، میانه و هشترود به مقصد شهرستان‌های رباط کریم، شهریار و اسلام‌شهر) اکثراً شبکه‌ای بوده و گسترش شبکه‌های اجتماعی بین این دو نقطه جغرافیایی در جهت دادن جریان‌های مهاجرت بسیار مؤثر است.

گرچه غلبه اکثر مهاجرت‌های صورت گرفته از آذربایجان شرقی به شهرستان‌های منتخب استان تهران شبکه‌ای است، ولی باید توجه داشت که منشأ اولیه به وجود آمدن این جریان‌های مهاجرت علل دافعه‌های موجود در استان آذربایجان شرقی بوده است. از طریق بررسی اسنادی و تاریخی در

زمینه مهاجرت‌های اولیه از آذربایجان شرقی به استان تهران و نیز مطالعه علل مهاجرت پیشگامان این جریان مهاجرت، مشخص گردید که تقریباً همه علل مهاجرت به دافعه‌های موجود در استان آذربایجان شرقی (آذربایجان سابق) برمی‌گردد. پیشنهاد می‌شود به این دافعه‌های مبدأ (به خصوص در مناطق روستایی) از سوی مدیران کشوری و استانی توجه ویژه‌ای شود. درست است که وضعیت کنونی استان‌های آذربایجان شرقی و تهران قابل مقایسه با نیم قرن پیش نیست، ولی غفلت از این عوامل ریشه‌ای مهاجرت می‌تواند در بازتولید و شدت دادن دوباره به جریان‌های مهاجرت شبکه‌ای از آذربایجان شرقی به استان تهران مؤثر واقع گردد. شکل‌گیری دوباره دافعه‌ها در استان آذربایجان شرقی و جاذبه‌های کاذب در استان تهران که هر دو با مدیریت و برنامه‌ریزی مسئولانه و کارشناسانه قابل کنترل هستند، می‌تواند زمینه شکل‌گیری مهاجرت‌های شبکه‌ای جدیدی گردد.

مهاجران پیشگام با توجه به نفوذی که در مبدأهای مهاجران دارند، به صورت قاعده‌های نانوشته‌ای و نیز تقریباً غیرارادی، جریان‌های مهاجرت از استان آذربایجان شرقی را به سوی محل اقامت خویش رهنمون کرده‌اند. در بسیاری از موارد ملاحظه گردیده است اقامت‌گزیدن یک پیشگام در شهری (شهرکی) خاص به دنبال خود مهاجران انبوه از آذربایجان شرقی را به همراه داشته است. از این قاعده جمعیتی و اجتماعی می‌توان در مدیریت و سازماندهی افراد جابجا شده از طریق مهاجرت‌های شبکه‌ای و خوشه‌ای استفاده نمود. در طرح آمایش سرزمین که قسمت‌هایی از آن مربوط به مدیریت و برنامه‌ریزی تراکم و توزیع جمعیت است، با بسترسازی و انجام اقدامات لازم جهت جذب افراد مؤثر که می‌توانند نقش پیشگام را داشته باشند، می‌توان جهت مهاجرت‌های شبکه‌ای را به مناطق کم جمعیت رهنمون کرد.

از پتانسیل مهاجران پیشگام می‌توان در مهاجرت برگشتی به مناطق آذربایجان شرقی استفاده نمود. در برخی از موارد ملاحظه گردیده است بازگشت یکی از این پیشگامان به خاستگاه‌شان در آذربایجان شرقی موجی از مهاجرت‌های برگشتی و یا نیت بازگشت به مبدأ را ایجاد نموده است. از طریق بازگشت مهاجران پیشگام به روستاهای خالی از سکنه و مخروبه در آذربایجان شرقی است که می‌توان به احتمال بازگشت حیات به این روستاها امیدوار بود. به ویژه اینکه پیشگامان با توجه به بنیه مالی خوبی که دارند، در توسعه و آبادانی اولیه این روستاها که نیاز به سرمایه‌گذاری اقتصادی در قسمت کشاورزی دارند، می‌توانند مؤثر باشند. با افزایش نسبی قیمت زمین‌های زراعی مناطق روستایی در اکثر نواحی آذربایجان شرقی، به نظر می‌رسد این بازگشت مهاجران از لحاظ اقتصادی نیز برای آنان مقرون به صرفه بوده و می‌تواند انگیزه قوی برای مهاجرت برگشتی آنان باشد.

چشم‌وهم‌چشمی و تأثیرگذاری فراوانی (شدت) مهاجرت‌های صورت گرفته از مبدأ بر تصمیم‌گیری به مهاجرت افراد که از آن بعنوان مهاجرت توده‌ای تعبیر می‌شود، درصدی از جریان‌های مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به استان تهران را شامل می‌شود. وقتی بیشتر مردم به مقصد واحدی مهاجرت

می‌کنند، افزایش جاذبه‌های آنجا از نظر اکثریت مهاجران بالقوه منجر به خوشه‌ای شدن افراد در مقصدهای خاصی می‌گردد. در نتیجه این امر (مقصدهای خوشه‌ای)، شانس انتخاب مقصدهای دیگر برای مهاجران بالقوه کاهش می‌یابد و بیشتر مهاجرت‌های پیش‌روی نیز به این مقصدهای خوشه‌ای صورت می‌گیرد. بائر و همکاران (۲۰۰۶) از تعیین‌کننده‌های انتخاب محل اقامت مهاجران به دو مولفه جریان و حجم مهاجرت اشاره دارند که مهمترین پیام کارشان نیز است. پادیللا (۲۰۰۶) نیز از رفتار توده بعنوان جهت‌یابی اجتماعی^۳ یاد کرده است.

همانند مهاجرت شبکه‌ای، در مهاجرت توده‌ای نیز افراد به صورت مستقل اقدام به مهاجرت نکرده و این شرایط و آثار روانی حاصل از مهاجرت انبوه جمعیتی از یک منطقه است که بر تصمیم‌گیری آنی و بدون برنامه‌ریزی سایر بومیان آن منطقه تأثیر می‌گذارد. مسئله‌مند بودن جابجایی آنان زمانی مورد توجه قرار می‌گیرد که ملاحظه می‌شود افراد بی‌سواد، دارای تحصیلات ابتدایی و نهضت، دارای وضع مالی متوسط به پایین و نیز افراد از مناطق محروم، احتمال مهاجرت توده‌ای‌شان بیشتر بوده است. پیشنهاد می‌شود بیشترین سازماندهی، برنامه‌ریزی و حمایت اجتماعی در مقصد روی این دسته از مهاجران صورت گیرد. مهاجرانی که با توجه به موقعیت‌های اجتماعی- اقتصادی ضعیف‌شان و به‌دلیل عدم آشنایی با محیط مقصد و نیز پوشش حمایتی پایین‌تر خویشاوندان و دوستان مقیم در مقصد، در معرض فشارها و آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی زیادی قرار می‌گیرند. اگر شدت مهاجرت‌های خوشه‌ای با جهت آذربایجان شرقی به شهرستان‌های منتخب استان تهران تعدیل شود، انتظار می‌رود از درصد مهاجرت‌های توده‌ای مورد مطالعه نیز کاسته شود.

منابع

مرکز آمار ایران، داده‌های خام ۲۰ درصد سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵.

Bauer, T, G. S. Epstein, and I. N. Gang (2006) *The Influence of Stocks and Flows on Migrants*, Working Paper, Bar Ilan University.

DeHaas, H. (2010) "The Internal Dynamics of Migration Processes: A Theoretical Inquiry", *Journal of Ethnic and Migration Studies*, First published (iFirst): 1-31.

1. Flow and Stock
2. Padilla
3. Societal Orientation

- DeJong, G.F., and R.W. Gardner (1981) *Migration Decision Making; Multidisciplinary Approaches to Micro level Studies in Developed and Developing Countries*, New York: Pergamon Press.
- Epstein, G.S. (2002) *Informational Cascades and Decision to Migrate*, Working Paper, Bonn.
- Epstein, G. S. (2008) “Herd and Network Effects in Migration Decision-Making”, *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 34(4): 567-583.
- Faist, T. (2000) *The Volume and Dynamics of International Migration and Transnational Social Spaces*, Oxford University Press.
- Fussell, E, and D. Massey (2004) “The Limits to Cumulative Causation: International Migration from Mexican Urban Areas”, *Demography*, 41(1):151-171.
- Haug, S(2008) .) “Migration Networks and Migration Decision-Making”, *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 34(4): 585 -605.
- Heering, L., R. Van der, and L.V. Wissen (2004) “The Role of Family Networks and Migration Culture in the Continuation of Moroccan Emigration: A Gender Perspective”, *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 30(2): 323-337.
- Helmenstein, C., and Y. Yegorov (2000) “The Dynamics of Migration in the Presence of Chains”, *Journal of Economic Dynamics and Control*, 24: 307-323.
- MacDonald, J.S., and L.D. MacDonald (1964) “Chain Migration, Ethnic Neighborhood Formation, and Social Networks”, *The Mill bank Memorial Fund Quarterly*, 42: 82-97.
- Massey, D.S. (1990) “Social Structure, Household Strategies, and the Cumulative Causation of Migration”, *Population Index*, 56: 3-26.
- Massey, D.S., R. Alaron, J. Durand, and H. Gonzalez (1987) *Return to Aztlan: The Social Process of International Migration from Western Mexico*, Berkeley: University of California Press.
- Massey, D. S., J. Arango, G. Hugo, A. Kouaouci, and J. E. Taylor (1993) “Theories of International Migration: A Review and Appraisal”, *Population and Development Review*, 19(3): 431-466.

- Massey, D. S., J. Arango, G. Hugo, A. Kouaouci, and J. E. Taylor (1994) "An Evaluation of International Migration Theory: the North American Case", *Population and Development Review*, 20(4): 699-751.
- Massey, D. S., J. Arango, G. Hugo, A. Kouaouci, and J. E. Taylor (1998) *Worlds in Motion: Understanding International Migration at the End of the Millennium*, Oxford: Clarendon Press.
- Padilla, B. (2006) *Brazilian Migration to Portugal: Social Networks and Ethnic Solidarity*, Working Paper, CIESe.
- Portes, A. (1995) "Economic Sociology and the Sociology of Immigration: A Conceptual Overview", in Portes, A. (ed.) *The Economic Sociology of Immigration: Essays on Networks, Ethnicity, and Entrepreneurship*. New York: Russell Sage Foundation, 1-41.
- Ritchey, P.N. (1976) "Explanations of Migration", *Annual Reviews in Sociology*, 2: 363-404.
- Sycip, L.M., and J.T. Fawcett (1988) *Expectations, Family Networks, and Emigration: A Study of Filipino Decision-Making*. Honolulu, Working Paper, East-West Population Institute.
- Taylor, J.E. (1986) "Differential Migration, Networks, Information and Risk." in Stark, O. (ed.) *Research in Human Capital and Development*, JAI Press, Greenwich, CT: 147-171.
- Tetryatnikova, M. (2008) *The Effects of Social Networks on Migration Decisions: Destination Choice and Local Variations in 19th Century Italian Emigration*, Working Paper, European University Institute.